



پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس هوش معنوی و هوش اجتماعی در دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه

زهرا دهقان اردکانی (نویسنده مسوول)^۱

۱- کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، مربی، دانشگاه آزاد، سپیدان

z.dehghan2018@yahoo.com

09173120645

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس هوش معنوی و هوش اجتماعی انجام گرفت. این تحقیق با توجه به هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دختران دانش‌آموز دوره دوم متوسطه شهرستان سپیدان در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ و برابر با ۷۶۳ نفر بود که برای انتخاب حجم نمونه از فرمول کوکران معادل ۲۵۰ نفر و برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی استفاده گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مقیاس خطرپذیری جوانان ایرانی زاده محمدی و همکاران، پرسشنامه هوش معنوی کینگ و مقیاس هوش اجتماعی ترمسو بوده است. یافته‌های حاصل از ضریب همبستگی پیرسون حاکی از آن بود که بین هوش معنوی (کل) و تمام ابعاد آن (تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی، بسط حالت هوشیاری) با رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنی‌داری وجود داشت ($P < 0/01$). همچنین بین هوش اجتماعی (کل) و تمام ابعاد آن (پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، آگاهی اجتماعی) با رفتارهای پرخطر نیز رابطه منفی و معنی‌داری وجود داشت ($P < 0/01$). نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نیز نشان داد، هوش معنوی ۲۳/۱ درصد و هوش اجتماعی ۲۱/۰ درصد از واریانس گرایش به رفتارهای پرخطر را به طور معنی‌داری در جهت منفی در دانش‌آموزان تبیین کردند. یافته‌ها بیانگر این موضوع هستند که از طریق افزایش سطح هوش معنوی و هوش اجتماعی می‌توان به کاهش رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان کمک نمود.

واژگان کلیدی: گرایش به رفتارهای پرخطر، هوش معنوی، هوش اجتماعی



۱- مقدمه

نوجوانی یک مرحله انتقالی زندگی است که نشان دهنده تغییر از کودکی به بزرگسالی است. این مرحله رشد یک دوره کلیدی برای رشد اجتماعی به سمت همسالان و حساسیت شدید نسبت به برآوردن نیازهای اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. نوجوانان در این دوره مستقل‌تر می‌شوند و شروع به تصمیم‌گیری مستقل از بزرگسالان می‌کنند. ارزیابی نوجوانان در زمینه پاداش انگیزی و احساس طلبی موجب پاسخ عصبی شدیدی به پاداش‌ها می‌شود که این افزایش حساسیت به پاداش ممکن است به عنوان یک نشانگر حساسیت افتراقی عمل کند که برخی از نوجوانان را نسبت به سایر محیط‌ها حساس‌تر می‌کند. لذا نوجوانان بیشتر از کودکان و بزرگسالان رویدادهای استرس‌زای زندگی و خطرات زندگی روزمره را متحمل می‌شوند. همان‌گونه که شواهد نشان می‌دهد این دوره با افزایش خطرپذیری نوجوانان و رفتارهای مخاطره آمیز سلامتی از جمله مصرف مواد مخدر و الکل و رفتارهای جنسی پرخطر در مقایسه با دوران کودکی همراه است (گودینگ، دومونتیل، واینر و بلیکمورریال؛ ۲۰۲۳؛ دویوونورده، ون، هورن و بلانکنشتاین؛ ۲۰۲۲).

علیرغم تلاش‌های بسیاری که در دو دهه اخیر در جهت افزایش آگاهی عمومی نسبت به آسیب و خطر رفتارهای پرخطر صورت گرفته است؛ اما همچنان با افزایش روزافزون این رفتارها به ویژه در میان جوانان و نوجوانان روبه‌رو هستیم. بسیاری از رفتارهای پرخطر همچون سیگار، الکل، مواد مخدر و روابط جنسی نامطمئن در سنین قبل از ۱۸ سال اتفاق می‌افتد (قهرمانی، نظری، چنگیزی و کاوه، ۲۰۱۹). دیگر شواهد نشان می‌دهند بیشتر مرگ و میر نوجوانان به دلیل رانندگی‌های پرخطر، صدمات غیرعمدی (مراکز پیشگیری از بیماری ایالات متحده؛ ۲۰۲۰) و سوء مصرف مواد (سیگار، مشروبات الکلی و سایر مواد مخدر) است (گزارش جهانی مواد مخدر؛ ۲۰۱۸). مصرف مواد عامل اصلی آسیب‌های سلامتی و اجتماعی در نوجوانان ۱۳ تا ۱۹ سال است و با دو علت اصلی مرگ و میر یعنی تصادفات جاده‌ای و خودکشی در این گروه سنی مرتبط است (وزارت بهداشت؛ ۲۰۲۱) که با پیامدهای بدنی، روانی، اجتماعی و سایر رفتارهای پرخطر مانند سوء مصرف مواد مخدر، خشونت و رفتارهای جنسی این آسیب چند برابر می‌شود (صدری، دمیرچی، هنرمند قجب‌بگلو و امیر، ۲۰۱۹). طبق یک مطالعه جهانی، نزدیک به ۱ نفر از هر ۵ پسر (۱۷/۹٪) و بیش از ۱ از هر ۱۰ دختر (۱۱/۵٪) در سراسر جهان بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ حداقل یک بار در یک دوره یک ماهه تنباکو مصرف کرده‌اند (ما و همکاران؛ ۲۰۲۱) و تقریباً ۸۰ درصد از مصرف‌کنندگان الکل و سیگاری‌ها برای اولین بار در دوران نوجوانی این رفتارها را انجام داده‌اند (جیانگ و جی؛ ۲۰۱۸؛ گوا و همکاران؛ ۲۰۱۸). به طور کلی در سطح جهان، استعمال دخانیات بیش از هشت میلیون مرگ در سال است و انتظار می‌رود این میزان افزایش یابد. داده‌های اخیر نیز نشان می‌دهند، نسبت دانش‌آموزانی که در اوایل بزرگسالی در ایالات متحده سیگار می‌کشند بین سال‌های ۲۰۰۲ (۲۰/۶ درصد) تا ۲۰۱۸ (۴۲/۶ درصد) دو برابر شده است و ۳۵ درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی نیز الکل استفاده می‌کنند. بر اساس آخرین آمار، از هر چهار دانش‌آموز دبیرستانی، یک نفر در طی یک سال گذشته دست‌کم یک درگیری خشونت‌آمیز داشته است. علاوه بر آن زنان بیشتر از مردان (۶۸٪ در مقابل ۶۴٪) مستعد مصرف مشروبات الکلی در مقطعی از زندگی خود هستند (ون مین و همکاران؛ ۲۰۲۲؛ اسلم، عاصم، جواد، رشید و نوید اختر؛ ۲۰۲۳). در کشور ایران نیز مانند سایر کشورها، بروز رفتارهای پرخطر در سال‌های اخیر رشد صعودی را دنبال می‌کند (یزدی فیض آبادی و همکاران، ۲۰۱۹). از آن‌جا که بروز رفتارهای

1. Goddings, Dumontheil, Viner, Blakemore
2. Duijvenvoorde, van, Hoorn, Blankenstein
3. Prevention
4. World Drug Report
5. Ministry of Health
6. Ma and et al
7. Jiang and Gee
8. Guo and et al
9. Van Minh
- 1 . Aslam, Asim, Javaid, Rashøed and Naveed Akhter



پرخاطر افراد زیادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زندگی عادی افراد درگیر را به مخاطره می‌اندازد، از این رو می‌تواند جزو مهم‌ترین مسائل اجتماعی کشور ایران باشد که باید به آن رسیدگی شود (عشایری و همکاران، ۱۴۰۱).

« رفتار پرخاطر » مشتمل بر رفتارهای متعددی است که نه تنها برای فرد درگیر در این رفتار و افراد مهم زندگی‌اش زیان‌های جدی به بار می‌آورد، بلکه باعث صدمه غیرعمدی به افراد بی‌گناه دیگر نیز می‌شود. در نوجوانان نسبت به گروه‌های سنی دیگر، گرایش بیشتری به این نوع رفتارها دیده می‌شود (بویر، ۲۰۰۶). این رفتارها ممکن است به آسیب‌ها و خشونت‌های ناخواسته مانند مصرف دخانیات، مصرف الکل و مواد مخدر، رفتارهای جنسی مشکل‌ساز، رفتارهای ناسالم در رژیم غذایی و عدم تحرک بدنی کمک کند و به طور قابل توجهی بر سلامت و بهزیستی نوجوانان، اطرافیان و سایر افراد جامعه تأثیر بگذارد که احتمال دارد پیامدهای منفی و مخرب بدنی، روان‌شناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش دهد (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۹). در واقع خطرپذیری در نوجوانان به ویژه دانش‌آموزان رفتارهای مختلفی را شامل می‌شود، مانند تمایل به سیگار کشیدن، سوء مصرف مواد مخدر، خشونت، الگوهای زندگی غیرطبیعی، که این رفتارها باعث افزایش پیامدهای منفی و مخرب فیزیکی، روانی و اجتماعی بر شخص گرایش به خطر رفتارها می‌شود (اولادونی، ۲۰۱۲). به عقیده (دیفو و همکاران، ۲۰۲۱) رفتارهای پرخاطر با احتمال یک پیامد ناسازگار مرتبط است و می‌تواند مانع دستیابی افراد به اهداف فرهنگی پذیرفته شده شود. از جمله رفتارهای پرخاطر شامل پرخاشگری، بی بند و باری و رفتارهای غیرقانونی و تکانشی، خودآزاری بدون خودکشی، درگیری‌های فیزیکی، رانندگی بی پروا، سیگار کشیدن، مشروبات الکلی، بیماری روانی درمان نشده، رابطه جنسی و قمار می‌باشد (ری، کاتس-کاریناکاته، فیلدینگ، مور و ژاکین، ۲۰۲۲).

جامعه‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که دست کم برخی ابعاد دین را می‌توان به عنوان نقش بازدارنده در خصوص اقل برخی از انواع رفتارهای پرخاطر به حساب آورد. طبق نتایج پژوهش‌های گذشته با افزایش ویژگی‌های مثبت در نوجوان از میزان بروز رفتارهای پرخاطر در آن‌ها مثل مصرف سیگار، الکل، مواد، رفتارهای ضد اجتماع کاسته می‌شود (مهدی و همکاران، ۲۰۱۸). بررسی‌ها نشان می‌دهند، معنویت یک عامل محافظت‌کننده در میان نوجوانان و به عنوان یک منبع اجتماعی و روان‌شناختی در مقابله با رفتارهای مخاطره‌آمیز برای گذر از نوجوانی به بزرگسالی است (سانتوس، کرسپو، کانوارو و کازاک، ۲۰۱۷) و آموزش‌های پیشگیرانه متمرکز بر دینداری نقش عمده‌ای در کاهش رفتارهای پرخاطر به ویژه اعتیاد در دختران نوجوان ایفاء می‌کند (شوشتری و همکاران، ۱۳۹۹). می‌توان معنویت را برحسب جهت یا مأموریت زندگی فرد، حرکت به سمت باور فراآگاهی، تعالی، نیاز به تعلق، پیوند و جستجوی هدف و معنای زندگی تعریف کرد (گرا، ۲۰۲۲). به طور غیرقابل انکار، افراد در مواقع فقدان و اندوه، مکرراً به معنویت یا یافتن منابع معنوی روی می‌آورند در غیر این صورت این افراد ممکن است با چالش‌های بهداشت روانی از جمله مشکلات ناشی از تنهایی، ناامیدی و از دست دادن هدف در زندگی مواجه شوند؛ که در این صورت معنویت آن‌ها به شدت به خطر می‌افتد (الرشیدی و همکاران، ۲۰۲۲). به عقیده (دکر، ۱۹۹۳) معنویت ارتباط زیادی با سلامت کلی فرد دارد؛ به طوری که مذهب و معنویت به عنوان منابع مهم سازگاری با وقایع تنش‌زای

1. High-risk behaviors
2. Boyer
3. Oladunni
4. Defoe and et al
5. Ray, Kats-Kariyanakatte, Fielding, Moore and Jacquin
6. Mahedy
7. Santos, Crespo, Canavarro and Kazak
8. Gera and et al
9. Alrashidi
- 1 . Decker



زندگی در نظر گرفته می‌شوند. به علاوه معنویت با احاطه بر تمام شئون زندگی از جمله رفتارهای پرخطر نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (کینگ، ۲۰۰۸).

یکی از مفاهیمی که در نتیجه توجه پژوهش‌گران به حیطه معنویت مطرح گردیده، مفهوم «هوش معنوی» است. هوش معنوی یکی از مفاهیم جدید، جذاب و بحث‌برانگیزی است که در پرتو توجه محققان، صاحب‌نظران و به ویژه روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه پیدا کرده است (رحمانیان، حجت، جهرمی و نبی‌اللهی، ۲۰۱۸) هوش معنوی، معنویت و هوش را به روشی جامع ترکیب می‌کند. به طور کلی هوش معنوی توانایی عمل عاقلانه و دلسوزانه در عین حفظ آرامش درونی و بیرونی بدون توجه به شرایط و یک تکنیک مقابله‌ای حیاتی برای غلبه بر مشکلات جسمی و روانی است. کسانی که از هوش معنوی بالایی برخوردارند، نگرش کل‌نگر به هستی و سختی‌های زندگی دارند، انعطاف‌پذیرتر و خودآگاه‌ترند و از چندین ظرفیت بهره می‌برند، مثلاً قدرت مقابله با استرس، تبدیل تهدیدات زندگی به فرصت و در نهایت سلامت روانی بهتری دارند (باسکار و میشرآ، ۲۰۱۹؛ ویگلسورث، ۲۰۰۶). به عبارت دیگر هوش معنوی مجموعه‌ای از قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و منابع معنوی را نشان می‌دهد که منجر به افزایش سلامت روان و سازگاری افراد می‌شود. ما از این هوش در جهت توسعه اشتیاق خود و ظرفیت معنا، بینش و ارزش استفاده می‌کنیم. این هوش گفتگو بین عقل و احساس و بین ذهن و بدن را تسهیل می‌کند و این اجازه را به ما می‌دهد تا روابط درون فردی و بین فردی و فراتر از آن شکاف بین خود و دیگران را ادغام کنیم (پانت و سریواستاوا، ۲۰۱۹).

برخی از محققین اثربخشی هوش معنوی بر زندگی انسان را حتی فراتر از موارد ذکر شده در بالا می‌دانند. به عنوان مثال دیپکی^۶ (۲۰۰۴) معتقد است هوش معنوی بخشی از آموزش مهارت‌های زندگی سالم است که نوجوانان را قادر می‌سازد مهارت‌های حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، ارتباط موثر، روابط بین فردی، خودآگاهی، همدلی، کنترل هیجان، مدیریت استرس را تصمیم‌گیری کنند. ایمنس^۷ (۲۰۰۰) نیز بیان می‌کند، هوش معنوی کاربرد تطبیقی از اطلاعات معنوی در جهت تسهیل فرآیند حل مسئله و دستیابی به اهداف شخصی است. افراد زمانی هوش معنوی را به کار می‌برند که بخواهند از ظرفیت‌ها و منابع معنوی برای تصمیم‌گیری‌های مهم و اندیشه در موضوعات وجودی و تلاش در جهت حل مسائل روزانه استفاده کنند. انسان‌های با هوش معنوی بالا با ملایمت و عطوفت بیشتری به مشکلات نگاه می‌کنند، سختی‌های زندگی را بهتر تحمل می‌کنند، در نتیجه برای یافتن راه‌حل تلاش بیشتری کند و به زندگی خود پویایی و تحرک می‌دهند (حقانی و خدابخشی کولایی، ۲۰۲۲).

اهمیت هوش معنوی به عنوان یک مؤلفه اساسی در زندگی روزمره افراد و تأثیر آن بر ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی در بسیاری از مطالعات مورد توجه قرار گرفته است (سلمانی، بیدرافش و اکبرزاده آرانی، ۲۰۱۹). همان‌طور که شواهد نشان می‌دهند هوش معنوی یک مهارت ویژه برای محافظت در برابر رفتار انحرافی است که می‌تواند بر رفتار اجتماعی نوجوانان تأثیر مثبت بگذارد (سیماک، فیتریانی و ستیوان، ۲۰۱۹). با این حال تا به امروز تحقیقات مربوط به هوش معنوی و رفتارهای پرخطر بسیار محدود است.

شیرافکن اجیرلو و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «ارتباط هوش معنوی، شیوه فرزندپروری والدین و رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان مقطع متوسطه مشگین شهر» دریافتند، رابطه مستقیم معنی‌داری بین شیوه فرزندپروری سهل‌گیر با رفتارهای پرخطر و رابطه معکوس و معنادار بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان وجود داشت.

1. King
2. Spiritual Intelligence
3. Bhaskar and Mishra
4. Wigglesworth
5. Pant and Srivastava
6. DepKe
7. Emmons
8. Simak, Fitriyani and Setiawan



فتحی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان « پیش‌بینی رفتارهای پرخطر نوجوانان براساس عملکرد خانواده و جهت‌گیری مذهبی با تاکید بر نقش پلیس » نشان دادند بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده با رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان رابطه‌ی غیرمستقیم وجود دارد.

یافته‌های مطالعات فتحی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان « رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان بر اساس انواع هوش » حاکی از آن بود، بین هوش معنوی، هوش عاطفی و سلامت اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه معنی‌داری وجود دارد و هوش معنوی توان پیش‌بینی رفتارهای پرخطر را در دانش‌آموزان دارد.

مولایی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با هدف « بررسی رابطه هوش معنوی با رفتارهای پرخطر و تعیین نقش پیش‌بینی‌کنندگی مولفه‌های هوش معنوی در رفتارهای پرخطر » نتیجه گرفتند که بین تمامی مولفه‌های هوش معنوی با رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنادار وجود دارد. از بین مولفه‌های هوش معنوی، مولفه‌ی تفکر وجودی انتقادی و تولید معنای شخصی، بطور معنادار در جهت منفی پیش‌بینی‌کننده رفتارهای پرخطر کلی است.

قدم‌پور و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با هدف « مقایسه هوش معنوی، بهزیستی معنوی و حمایت اجتماعی نوجوانان بزهکار و عادی » انجام دادند. یافته‌ها نشان داد، بین هوش معنوی، بهزیستی معنوی و حمایت اجتماعی نوجوانان بزهکار و عادی تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنی که نوجوانان بزهکار از هوش معنوی، بهزیستی معنوی و حمایت اجتماعی پایین‌تری برخوردار هستند.

نتایج مطالعات رضایی و صاحب‌دل (۱۳۹۵) با عنوان « آموزش مهارت‌های هوش معنوی بر کاهش رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان پسر دبیرستانی » نشان داد، آموزش مهارت‌های هوش معنوی باعث کاهش میزان مصرف سیگار، سوء مصرف مواد مخدر، رفتارهای پرخطر و ارتباط با جنس مخالف در میان دانش‌آموزان می‌شود.

نوربخش و مولوی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان « رابطه هوش معنوی و اعتقادات مذهبی با احساس استنباطی و خشونت در دانش‌آموزان » دریافتند که بین هوش معنوی با احساس حقارت و خشونت رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ اما رابطه باورهای دینی با احساس حقارت و خشونت معنی‌دار نبود.

افشار و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان « تعیین رابطه عوامل هوش معنوی و گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان دختر و پسر » به این نتیجه رسیدند که بین عوامل درک و ارتباط با منبع و زندگی معنوی با گرایش به اعتیاد رابطه معنی‌داری وجود دارد و این رابطه بین دانشجویان دختر و پسر تفاوتی نداشت. علاوه بر این، نتایج نشان داد که درک و ارتباط با منبع و زندگی معنوی می‌تواند گرایش به اعتیاد را پیش‌بینی کند.

گرا (۲۰۲۲) در مطالعات خود با عنوان « رابطه بین دو جنبه معنویت یعنی هوش معنوی و شخصیت معنوی با توجه به رفتارهای مخاطره‌آمیز سلامت در نوجوانان » حاکی از آن بود که بین معنویت و رفتار مخاطره‌آمیز سلامتی همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد و به نظر می‌رسد که هوش معنوی و شخصیت معنوی هر دو عوامل محافظتی مهمی در برابر رفتارهای مخاطره‌آمیز سلامت در نوجوانان باشند.

ماسیتا، سودیرهام و تریوگا (۲۰۱۹) پژوهشی با هدف « تأثیر هوش هیجانی و معنوی بر قصد ترک سیگار » انجام دادند. نتایج نشان داد، که هوش هیجانی و هوش معنوی به طور قابل توجهی بر قصد ترک سیگار تأثیر می‌گذارد.

یافته‌های مطالعات سیماک و همکاران (۲۰۱۹) با عنوان « روابط بین اعمال جنسی پرخطر و هوش معنوی نوجوانان در اندونزی » حاکی از آن بود، بین هوش معنوی و رفتارهای پرخطر همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد.

علایی، ذبیحی، احمدی و دوستی (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان « هوش هیجانی، هوش معنوی، عزت نفس و کنترل خود در برابر سوء مصرف مواد » دریافتند، بین هوش هیجانی و معنوی، عزت نفس با سوء مصرف مواد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

زندگی اجتماعی برای انطباق با تغییرات و به منظور بقا و رشد در محیط‌های جدید، ویژگی‌های خاصی را می‌طلبد که عموماً افراد برای پاسخ به آن‌ها با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند. توانایی شخص برای سازگاری و چالش در زندگی به عملکرد منسجم قابلیت‌های



عاطفی یا اجتماعی و منطقی وی وابسته است. از این رو، شخصیت یک فرد در زندگی، زاینده استعدادهای عاطفی نهفته است نه ضریب هوشی. آنچه که مسلماً در مورد افراد موفق در زمینه اجتماعی می‌دانیم این است که لزوماً آن‌ها باهوش‌ترین فرد جامعه از لحاظ ضریب هوشی نیستند، بلکه آن‌ها شعور اجتماعی بالاتری نسبت به دیگران دارند و به همین وسیله افراد را به سمتی که در نظر دارند سوق می‌دهند. باید گفت رمز نفوذ آن‌ها بر افراد نیز همین نکته است. لذا افراد در موقعیت‌های اجتماعی به خاطر تفاوت‌های فردی یکسان عمل نمی‌کنند و این تفاوت‌های فردی در ادبیات روان‌شناسی به هوش اجتماعی اشاره دارد. هوش اجتماعی، جدیدترین تحول در زمینه فهم ارتباط میان عقل و احساسات نیز هست. علی‌رغم دیدگاه‌های اولیه، نگاه واقع بینانه به ماهیت انسان نشان می‌دهد که انسان نه منطبق صرف است و نه عاطفه و احساس صرف، بلکه ترکیبی از هر دو است (شهرکی، فالحتی کهخا، سعادتیان و رستگار کهخا، ۱۴۰۱؛ ریجیو، ۲۰۱۴).

هوش اجتماعی که اولین بار توسط ثوراندیک (۱۹۲۰) به منظور تبیین رفتار و کردار انسان به کار برده شد، به عنوان توانایی درک دیگران، عمل و رفتار هوشمندانه در رابطه با دیگران تعریف شد؛ مجموعه‌ای از اقدامات تجمعی افراد و دیگر اعضای یک گروه اجتماعی است. منظور از این نوع هوش، توانایی مدیریت تغییرات اجتماعی در جامعه است (هانویل، ۲۰۱۶). گلمن (۱۹۹۸) معتقد است که هوش اجتماعی، مهارت عاطفی با حفظ ارتباط‌های نزدیک در دوستی‌ها، ازدواج یا ارتباط شغلی است؛ این مهارت در دوران کودکی جوانه می‌زند و در طول زندگی شکوفا می‌شود (شهبازیان، حسنی و سلیمانی، ۱۳۹۶). در واقع هوش اجتماعی به توانایی درک و مدیریت احساسات و رفتارهای خود و دیگران و مدیریت ماهرانه روابط انسانی اشاره دارد. از این رو هوش اجتماعی به عنوان توانایی افراد برای درک دیگران، خلق و خوی افراد، احساسات، خواسته‌ها، انگیزه‌ها، نیات، نحوه کار مستقل و تیمی، حل مشکلات و درگیری‌ها تعریف شده است (اوزدمیر، ۲۰۲۱). سیلورا و همکاران (۲۰۰۱) درک احساسات و افکار دیگران را فرآیند اطلاعات اجتماعی، خواندن زبان بدن و درک خواسته‌ها و انتظارات دیگران در روابط را آگاهی اجتماعی و درک دیگران، خلق و خو و درک افکار را مهارت‌های اجتماعی را تعریف می‌کند. برای رسیدن به این سه مولفه مشخص کننده هوش اجتماعی، مفهوم خود باید به طور کامل توسعه یابد، به این معنی که افراد باید خود به طور موثر قادر به شناخت باشند (تیوکو، ۲۰۱۸).

افرادی که از نظر هوش اجتماعی قدرتمند هستند، می‌توانند با دیگران به راحتی ارتباط برقرار کنند، واکنش‌ها و احساسات آنان را به سرعت دریابند، دیگران را رهبری کنند، سازمان دهند و به چالش‌ها خاتمه دهند. آن‌ها افرادی هستند که می‌توانند احساسات جمعی ابراز نشده را بیان کنند و برای هدایت یک گروه جهت دستیابی به اهداف خود، آن احساسات را در جای خود مطرح سازند. این افراد دیگران دوست دارند و دوست دارند با آن‌ها باشند؛ زیرا از نظر عاطفی به دیگران نیرو می‌دهند و حالت‌های روحی خوبی در افراد ایجاد می‌کنند (زرپرور و قاجاریه، ۱۴۰۱).

نظریه پردازان هوش اجتماعی بر این باورند بین هوش اجتماعی و قدرت مقابله با موقعیت‌های مخاطره انگیز رابطه مثبت وجود دارد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۵). بررسی‌ها نشان می‌دهد هوش اجتماعی عامل محافظت کننده خوبی در برابر تنش‌های روزمره و ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی و رفتارهای پرخطر است (سالگیورو، ۲۰۱۲). هوش اجتماعی بالا منجر می‌شود افراد هیجانات و احساسات خود را بیشتر کنترل کرده و از بروز خشونت که یکی از رفتارهای پرخطر می‌باشد و عکس‌العمل‌های نامعقول اجتماعی خودداری کنند (شهبازیان خونیک و همکاران، ۱۳۹۶).

1. Social Intelligence
2. Regio
3. Sorndike
4. Honeywill
5. Goleman
6. Ozdemir
7. Tioco
8. Silgiuro



میکیلی و احمدی (۱۴۰۱) در پژوهشی با هدف « نقش هویت اجتماعی و هوش اجتماعی در پیش‌بینی گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای پرخطر » نشان دادند که هویت اجتماعی و هوش اجتماعی توانایی پیش‌بینی گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای پرخطر را به صورت معناداری دارند.

شهبازیان خونیک و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با هدف « نقش مؤلفه‌های هوش اخلاقی و اجتماعی در رفتارهای پرخطر دانشجویان » نشان دادند، بین هوش اجتماعی و مؤلفه‌های رفتارهای پرخطر روابط منفی معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که مؤلفه‌های هوش اخلاقی و هوش اجتماعی توانستند به‌طور معنی‌داری تمامی مؤلفه‌های رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی نمایند.

احمدی و معین (۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف « رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان » به این نتیجه رسیدند که بین مهارت‌های اجتماعی با رفتارهای پرخطر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

خدایی، فتحی و علیپور (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان « اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی در رفتارهای پرخطر و ارتباطات » دریافتند که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رفتار پرخطر و اجزاء آن شامل (خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل و جنس مخالف) بر دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد.

نتایج پژوهش فداکارزاده و محمدی احمدآبادی (۲۰۲۰) با عنوان « اثربخشی مهارت‌های اجتماعی بر پرخاشگری و گرایش به رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان » نشان داد، آموزش مهارت‌های اجتماعی منجر به کاهش پرخاشگری و گرایش به رفتارهای پرخطر و ابعاد آن (گرایش به مواد، گرایش به رفتارهای ناپه‌نجان و گرایش به خشونت در دانش‌آموزان دختر می‌شود).

لاندو کینگ، مکری گویر، شالفر و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان « رابطه بین هوش اجتماعی - عاطفی و رفتارهای پرخطر جنسی در دختران نوجوان » حاکی از آن بود که هر قدر دختران هوش اجتماعی و هیجانی بالاتری داشته باشند رفتارهای پرخطر جنسی در آنان کاهش خواهد یافت.

دومیترسکو، بدیعتاب، دوگاری، توماب و دوتاب (۲۰۱۴) در تحقیقی در پژوهشی با عنوان « ارتباط مطلوبیت اجتماعی و هوش اجتماعی با مصرف سیگار » که بر روی دانشجویان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که هوش اجتماعی با سیگار کشیدن دانشجویان ارتباط دارد.

نظام آموزش و پرورش از بزرگترین سیستم‌های تربیتی هر جامعه است که سرنوشت آن وضعیت جامعه را در بلندمدت تعیین می‌کند و سلامت اخلاقی هر جامعه به عملکرد سیستم آموزش و پرورش آن جامعه در نهادینه سازی ارزش‌های اخلاقی و پرورش عوامل مرتبط با آن بستگی دارد. چالشی که امروزه نظام آموزشی با آن مواجه است، گسترش رفتارهای مخاطره‌انگیز در دانش‌آموزان و ضرورت ایجاد توانایی درک و مهار هیجان‌ات و احساسات در جهت کمک به فعالیت‌های فکری، تصمیم‌گیری و ارتباطی است که برای ایجاد این مهم نیازمند آموزش و شناخت عوامل مرتبط با رفتارهای مخاطره‌انگیز همچون هوش معنوی و اجتماعی به آن‌ها هستیم. با توجه به نقش هوش معنوی و اجتماعی در توسعه مهارت‌های مقابله با موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و شیوع رفتارهای پرخطر و از طرفی به دلیل اهمیت دوره نوجوانی و احتمال بروز رفتارهای ضد اجتماعی، بررسی عواملی که موجب بروز رفتارهای پرخطر می‌شود کاری مهم و ضروری است و می‌توان با توانمند کردن افراد در مقابل این آسیب‌ها در حرکت به سوی جامعه سالم گامی بزرگ برداشت. لذا با توجه به خلاء پژوهشی در حوزه موضوع پژوهش حاضر، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این مساله است که: چه رابطه‌ای بین هوش معنوی و هوش اجتماعی با رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان دختر وجود دارد؟ و این دو متغیر (هوش معنوی و هوش اجتماعی) چه نقشی در پیش‌بینی در گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان دختر دارند؟

۱-۲- فرضیه‌های پژوهش

1. Lando-King, McRee, Gower and Shlafer
2. Dumitrescu, Baditab, Dogaru, Tomab and Dutab

دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



۱. بین هوش معنوی و مولفه‌های آن (تفکر وجودی انتقادی، معنای شخصی، آگاهی متعالی، بسط حالت هوشیاری) با رفتارهای پرخطر در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۲. بین هوش اجتماعی و مولفه‌های آن (پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، آگاهی اجتماعی) با رفتارهای پرخطر در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۵. هوش معنوی نقش معنی‌داری در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه دارند.
۶. هوش اجتماعی نقش معنی‌داری در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه دارند.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، تحقیقی توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این مطالعه را تمام دختران دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه پایه‌های (دهم، یازدهم و دوازدهم) مشغول به تحصیل در دبیرستان‌های شهرستان سپیدان با دامنه‌ی سنی (۱۵-۱۸) سال در نیمسال دوم سال تحصیلی (بهمن الی خرداد) ۱۴۰۲-۱۴۰۱ تشکیل داده است که تعداد آن‌ها بر اساس آمار گرفته شده از آموزش و پرورش ۷۶۳ نفر بوده است. حجم نمونه آماری در این جمعیت بر اساس فرمول کوکران با احتساب خطای ۵ درصد ۲۵۷ دانش‌آموز تعیین شد. از مجموع ۲۵۷ نمونه، ۷ نمونه به دلیل عدم پاسخگویی مناسب به سؤالات از نمونه حذف و در نهایت مجموع حجم در پایان به ۲۵۰ نمونه رسید. نمونه مورد نظر به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبتی بر اساس پایه‌های تحصیلی و نسبت محاسبه شده از هر یک از طبقات، متناسب با حجم آماری در هر یک از پایه‌های تحصیلی معین شد؛ بدین صورت که در مرحله اول تعداد کل دختران دانش‌آموز در سه پایه مشخص شد (پایه نهم ۲۶۱ نفر؛ پایه دهم ۲۵۳ نفر و پایه دهم ۲۴۸ نفر) و هر پایه به عنوان یک طبقه در نظر گرفته شد. در مرحله دوم نسبت حجم نمونه (۲۵۰) به حجم کل جامعه آماری (۷۶۲) مقدار ۰/۳۳ محاسبه شد. بر این اساس تعداد افراد هر پایه را که باید به عنوان نمونه انتخاب شوند، با ضرب کردن نسبت بدست آمده در هر پایه مشخص شد. که تعداد دانش‌آموزان (پایه نهم ۸۵ نفر، پایه دهم، ۸۳ نفر و پایه یازدهم ۸۲ نفر) بدست آمد. در مرحله سوم با توجه به سهمیه مشخص شده افراد در هر پایه تحصیلی، از هر طبقه دانش‌آموزان به صورت تصادفی انتخاب شدند و مورد بررسی قرار گرفتند. بدین صورت بر اساس حجم گروه‌ها در جامعه از هر یک گروه‌ها در نمونه نماینده وجود داشت.

این پژوهش با رعایت کلیه موازین اخلاقی پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات و با دستورالعمل‌های خاص بر روی تک تک افراد نمونه پژوهش اجرا شد. معیارهای ورود به این پژوهش عبارت از دختران مشغول به تحصیل در یکی از سه پایه دوره دوم متوسطه بود و معیارهای خروج عبارتند از، عدم استفاده از مواد مخدر، روان‌گردان و مصرف داروهای روان‌پزشکی بوده است.

به منظور جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش از سه ابزار به شرح ذیل استفاده شد.

- ۱-۲- **مقیاس خطرپذیری جوانان ایرانی!** مقیاس خطرپذیری جوانان ایرانی توسط (زاده‌محمدی، احمدآبادی و حیدری، ۱۳۹۰) با اقتباس از مقیاس رفتارهای پرخطر جوانان و نوجوانان مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا طراحی و تنظیم شده است. این مقیاس ۳۸ گویه بسته‌پاسخ بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (مخالفم=۱ تا موافقم=۵) با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی ایران بر روی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های تهران و برای سنجش رفتارهای پرخطر رانندگی خطرناک (شامل سوالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶)، گرایش به خشونت (شامل سوالات ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱)، گرایش به سیگارکشیدن (شامل سوالات ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶)، گرایش به مصرف مواد مخدر (شامل سوالات ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴)، گرایش به مصرف الکل (شامل سوالات ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰)، گرایش به جنس مخالف (شامل سوالات ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴)، گرایش به خطرپذیری جنسی سوالات (۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸) طراحی شد. امتیاز کلی رفتار پرخطر در این مقیاس از جمع نمرات سوالات مولفه‌ها به دست می‌آید. سازندگان مقیاس به روش همسانی درونی و با کمک آلفای

دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



کرونباخ و روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و روش تحلیل مولفه‌های اصلی میزان آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های گرایش به الکل ۰/۹۳، گرایش بعد راندگی خطرناک ۰/۸۸، گرایش به سیگار ۰/۹۱، گرایش به موادمخدر ۰/۸۳، خطرپذیری جنسی ۰/۸۵ و گرایش به خشونت ۰/۷۷ محاسبه کردند. در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی برای کل مقیاس ۰/۷۳ درصد و برای مولفه‌های گرایش به راندگی خطرناک ۰/۷۴، گرایش به خشونت ۰/۷۵، گرایش به سیگار کشیدن ۰/۷۵، گرایش به مصرف مواد مخدر ۰/۷۳، گرایش به مصرف الکل ۰/۷۰، گرایش به جنس مخالف ۰/۷۶، گرایش به خطرپذیری جنسی ۰/۷۴ درصد بدست آمد که نشان دهنده پایایی مطلوب است.

۲-۲- پرسشنامه هوش معنوی کینگ: پرسشنامه هوش معنوی توسط (کینگ، ۲۰۰۸) طراحی شده که هدف آن سنجش میزان هوش معنوی از ابعاد مختلف تفکر وجودی انتقادی ۷ آیتم شامل سوالات (۱، ۳، ۵، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۱)، تولید معنای شخصی ۵ آیتم شامل سوالات (۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳)، آگاهی متعالی ۷ آیتم شامل سوالات (۲، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۲۲)، بسط حالت هشیاری ۵ آیتم شامل سوالات (۴، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۴) می‌باشد. مجموع سوالات نمره کلی هوش معنوی را به دست می‌دهد که دامنه آن از صفر تا ۹۶ متغیر است و نمره بالا نشان دهنده هوش معنوی بالاتر است. این مقیاس شامل ۲۴ گویه بسته‌پاسخ بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت می‌باشد. کینگ (۲۰۰۸) پس از بررسی و حذف ۱۸ سوال اضافی آزمون ۲۴ آیتمی را مجدداً بر ۳۰۵ دانشجو بررسی کرد و با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و آلفای استاندارد شده ۰/۹۲ به دست آورد. همچنین میانگین همبستگی درون آیتمی آن ۰/۳۴، پایایی دو نیمه‌سازی آن ۰/۹۱ و پایایی بازآزمایی آن بعد از ۴ ماه ۰/۸۹ گزارش شده است. رقیب، سیادت، حکیمی‌نیا و احمدی (۱۳۸۹) پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آوردند و روایی همگرایی با استفاده از مقیاس تجربه معنوی غباری به طور همزمان استفاده کرد که ضرایب همبستگی این دو پرسشنامه ۰/۶۶ به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش برای مولفه‌های تفکر وجودی انتقادی ۰/۷۳، معنای شخصی ۰/۷۵، آگاهی متعالی ۰/۷۴، بسط حالت هوشیاری ۰/۷۵ و هوش معنوی کل ۰/۷۴ بدست آمد که نشان دهنده پایایی مطلوب است.

۲-۳- مقیاس هوش اجتماعی ترمسو: این مقیاس توسط سیلورا، مارتین یوسن و داهل (۲۰۰۱) تهیه شده است، که سه حوزه هوش اجتماعی (پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی) را می‌سنجد. این مقیاس از ۲۱ گویه تشکیل شده است. در این مقیاس از پاسخ دهندگان خواسته می‌شود؛ تا عقاید خودشان درباره هر گویه را بر روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای مشخص کنند. در سوالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۵، ۱۶ و ۱۹ برای گزینه کاملاً مخالفم، مخالفم، تاحدودی مخالفم، نظری ندارم، تاحدودی موافقم، موافقم و کاملاً موافقم به ترتیب نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ منظور شده است و بقیه گویه‌ها به صورت برعکس نمره‌گذاری می‌شود. به این ترتیب حداقل نمره کل گویه‌های این ابزار برابر ۲۱ و حداکثر نمره آن برابر ۱۴۷ می‌باشد. سیلورا، مارتین یوسن و داهل (۲۰۰۱) ضریب پایایی برای خرده مقیاس‌های پردازش اطلاعات، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۶ و ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند. رضایی (۱۳۸۸) در بررسی مقدماتی که بر روی دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور (۳۰۴ زن و ۱۰۹ مرد انجام داد، پایایی مقیاس ترمسو را با استفاده از روش‌های بازآزمایی و همسانی درونی برای کل مقیاس ۰/۸۱ و برای اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۶ و ۰/۶۶ محاسبه کرد. ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش برای پردازش اطلاعات، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۵ بدست آمده است.

1. The Spiritual Intelligence Self-Report Inventory
2. Tomso Social Intelligence Scale
3. Slvera, Martinsen and Martinsen

دوین کتفراس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



در این مطالعه برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و در بخش آمار استنباطی شاخص‌های استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان) با استفاده از نرم‌افزار SPSS-24 جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات مورد استفاده قرار گرفت.

۳- یافته‌ها

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد. فراوانی و درصد مربوط به پایه‌های تحصیلی در جدول شماره‌ی ۱. ارائه شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پایه تحصیلی

پایه	فراوانی	درصد
دهم	۸۵	۳۴/۰
یازدهم	۸۳	۳۳/۲
دوازدهم	۸۲	۳۲/۸
کل	۲۵۰	۱۰۰

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد. در این مطالعه ۲۵۰ دانش‌آموز دختر متوسطه مورد پژوهش قرار گرفتند؛ پایه دهم (۸۵)، یازدهم (۸۳)، دوازدهم (۸۲) نفر بودند. از این تعداد بیشترین فراوانی به دختران پایه دهم با فراوانی ۳۴/۰ درصد و کمترین فراوانی مربوط به دختران پایه یازدهم با فراوانی ۳۲/۲ درصد تعلق داشت. همچنین میانگین سنی در پژوهش ۱۶ سال بوده است. یافته‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) در جدول شماره ۲. نشان داده شده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	مولفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
۱- رفتارهای پرخطر (کل)	مهارت‌های اجتماعی	۳۵/۲۲	۵/۱۲	۰/۳۱۰	-۰/۲۵۰
	آگاهی اجتماعی	۲۱/۲۵	۳/۲۵	۰/۰۲۳	-۰/۲۱۱
۲- هوش اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی	۱۷/۱۶	۲/۲۰	۰/۲۳۶	-۰/۲۱۵
	آگاهی اجتماعی	۱۶/۱۳	۲/۱۸	۰/۱۲۳	-۰/۴۲۲
	هوش اجتماعی (کل)	۳/۸۹	۰/۷۸	۰/۱۲۳	-۰/۳۹۶
۳- هوش معنوی	تفکر وجودی انتقادی	۱۰/۷۰	۳/۴۲	۰/۲۵۱	-۰/۱۱۹
	معنای شخصی	۹/۷۰	۳/۴۳	۰/۳۰۱	-۰/۳۲۹
	آگاهی متعالی	۸/۵۰	۳/۳۳	۰/۲۸۱	-۰/۲۲۱
	بسط حالت هوشیاری	۹/۴۹	۲/۲۹	۰/۳۱۱	۰/۳۳۶
هوش معنوی (کل)	۱۶/۱۷	۷/۳۱	۰/۲۹۱	-۰/۲۳۹	

نتایج میانگین و انحراف معیار در جدول شماره ۲. نشان می‌دهد، بیشترین میانگین مربوط به متغیر رفتارهای پرخطر با میانگین ۳۵/۲۲ و انحراف معیار ۵/۱۲ و کمترین میانگین مربوط به متغیر هوش اجتماعی (کل) با میانگین ۳/۸۹ و انحراف معیار ۰/۷۸ بوده است.



همچنین چنانچه چولگی در بازده ۲- و ۲= قرار گیرد، می توان ادعا کرد که این توزیع نرمال است. همان گونه که مشاهده می شود، مقادیر جدول زیر شامل قاعده مذکور است؛ لذا داده های پژوهش دارای توزیع نرمال است. جهت بررسی فرضیه های (وجود رابطه ی بین هوش معنوی و هوش اجتماعی با گرایش به رفتارهای پرخطر) ابتدا ضریب همبستگی پیرسون میان این متغیرها اندازه گیری شد. نتایج حاصل از این ضریب همبستگی در جدول شماره ی ۲.۲ ارائه شده است.

جدول ۳. تحلیل همبستگی بین مولفه های هوش معنوی و هوش اجتماعی با رفتارهای پرخطر

متغیرها	مولفه ها	ضرایب همبستگی	سطح معناداری
هوش معنوی	تفکرو وجودی انتقادی	-۰/۴۲۹**	P<۰/۰۱
	تولید معنای شخصی	-۰/۴۰۶**	P<۰/۰۱
	آگاهی متعالی	-۰/۲۱۷**	P<۰/۰۱
	بسط حالت هوشیاری	-۰/۱۵۸*	P<۰/۰۵
	هوش معنوی کل	-۰/۵۵۰**	P<۰/۰۱
هوش اجتماعی	پردازش اطلاعات اجتماعی	-۰/۳۹۲**	P<۰/۰۱
	مهارت های اجتماعی	-۰/۴۶۲**	P<۰/۰۱
	آگاهی اجتماعی	-۰/۲۶۲**	P<۰/۰۱
	هوش اجتماعی کل	-۰/۵۶۰**	P<۰/۰۱

معنی داری در سطح ۰/۰۵ P< ; * معنی داری در سطح ۰/۰۱ P<

جدول شماره ۳. نشان می دهد بین هوش معنوی (کل) ($r = -0/550, p < 0/01$) و مولفه های آن (تفکرو وجودی انتقادی، $r = -0/429, p < 0/01$)، تولید معنای شخصی ($r = -0/406, p < 0/01$)، آگاهی متعالی ($r = -0/217, p < 0/01$)، بسط حالت هوشیاری ($r = -0/158, p < 0/05$)، با گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین هوش اجتماعی کل ($r = -0/560, p < 0/01$)، و مولفه های آن (پردازش اطلاعات اجتماعی ($r = -0/392, p < 0/01$)، مهارت های اجتماعی ($r = -0/462, p < 0/01$)، آگاهی اجتماعی ($r = -0/262, p < 0/01$)) با رفتارهای پرخطر نیز رابطه منفی معنادار وجود دارد. به منظور پاسخ گویی به این سوال که هوش معنوی و هوش اجتماعی (متغیرهای پیش بین) توان پیش بینی گرایش به رفتارهای پرخطر (متغیر ملاک) را دارند، از روش تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول ۴.۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی رفتارهای پرخطر براساس هوش اجتماعی و هوش معنوی

متغیرهای پیش بین	R	R ²	مقدار F	df	P-Value	β	B	P
هوش معنوی	۰/۵۵	۰/۲۳۱	۱۶/۲۳	۱/۳۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۵	-۰/۴۲۷	۰/۰۰۰
هوش اجتماعی	۰/۵۶	۰/۲۱۰		۱/۲۱		-۰/۳۹۶	-۰/۴۲۵	۰/۰۰۲

همان طور که جدول ۴.۴ نشان می دهد، سطح معناداری محاسبه شده در آزمون F کمتر از ($F_{0.05}$) است که نشان دهنده ارتباط معنادار متغیر پیش بین و ملاک است؛ لذا مدل رگرسیون معنادار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که متغیر وارد شده در مدل رگرسیون متغیر ملاک را پیش بینی می کند. ضریب تعیین در جدول نشان می دهد، که دو متغیر هوش معنوی و هوش اجتماعی به ترتیب ۲۱/۳ و ۲۱/۰ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر را به طور معنی داری از لحاظ آماری تبیین کردند.



همچنین، ضریب (Beta) به دست آمده توسط متغیرهای هوش معنوی و هوش اجتماعی به ترتیب معادل ۰/۴۳۵- و ۰/۳۹۶- است؛ بدین معنی که متغیر هوش معنوی ۰/۴۳۵- درصد و متغیر هوش اجتماعی ۰/۳۹۶- درصد سهم در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر در جهت عکس داشته‌اند، بنابراین متغیر هوش معنوی با میزان بتای بیشتر، سهم بیشتری در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان داشته است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

نوجوانی دوره‌ای است که در آن تغییرات بزرگ، عاطفی، فیزیکی و اجتماعی رخ می‌دهد. در این دوره عزت نفس، خودکنترلی، توانایی تصمیم‌گیری و انتخاب، به دست آوردن استقلال، کشف کردن، مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری در مورد سلامتی، خانواده، شغل و همسالان رخ می‌دهد. نوجوانان نقش‌های جدید، مسئولیت‌ها، کسب مهارت‌های اجتماعی و ایفای این نقش‌ها را می‌پذیرند. بنابراین اگر دقیق و جامع، الگو و رفتار مناسب و درست برای او تعریف نشده باشد، خودش رفتارها را ارزیابی می‌کند و نقش‌ها را آزمایش می‌کند و در برخی موارد مقرراتی را که منجر خواهد شد نادیده می‌گیرد. به همین دلیل نوجوانی یک دوره پرخطر در نظر گرفته می‌شود (فداکار زاده و محمدی احمد آبادی ۲۰۲۱).

بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف پیش‌بینی رفتارهای پرخطر از طریق هوش معنوی و هوش اجتماعی در دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه انجام گردید. نتایج ضرایب همبستگی نشان دادند که بین هوش معنوی (کل) و ابعاد آن (تفکر وجودی انتقادی، معنای شخصی، آگاهی متعالی، بسط حالت هوشیاری) و گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه‌ی منفی و معنی‌داری وجود دارد؛ بدین معنی که با افزایش هوش معنوی (کل) و ابعاد آن، گرایش به رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد. این یافته از جهاتی با بخشی از یافته‌های پیشین از جمله شیرافکن اجیرلو و همکاران (۱۴۰۱)، فتحی و همکاران (۱۴۰۱)، فتحی و همکاران (۱۳۹۹)، مولایی و همکاران (۱۳۹۸)، رضایی و صاحب‌دل (۱۳۹۵)، (۲۰۱۰)؛ ماسیتا و همکاران (۲۰۱۹)؛ سیماک و همکاران (۲۰۱۹) همسو و همخوان است. از طرفی تحلیل رگرسیون نیز نشان داد، هوش معنوی به طور معنی‌داری می‌تواند رفتارهای پرخطر را در دختران نوجوان دبیرستانی تبیین نماید که با نتایج فتحی و همکاران (۱۳۹۹)، مولایی و همکاران (۱۳۹۸) همسو است.

در تبیین رابطه بین هوش معنوی (کل) و رفتارهای پرخطر یافته می‌توان چنین بیان کرد که هوش معنوی تصویر کاملی از هوش انسان است که توانایی انسان را برای اتصال به نیروی برتر و موجودی مقدس افزایش می‌دهد. این هوش یک ظرفیت انسانی برای پرسیدن سوال در مورد معنای زندگی و دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، است (هنینگسگارد و آرنو، ۲۰۰۸). معنویت ظرفیت افراد را برای تحمل استرس‌های زندگی افزایش و تلاش بیشتر برای یافتن راه‌حل برای مشکلات ترغیب می‌کند (رایبسنون، تیل، شیرکی، زوراکوفسکی، و مایر، ۲۰۱۶). از طرفی معنویت یک راهبرد مفید در مقابله با شرایط استرس‌زا و خارج از کنترل شخص است (سنگلاجی، رسولی، فراهانی، شاکری، و ایلخانی، ۲۰۰۶) که باعث حفظ و افزایش عزت نفس، ایجاد حس هدفمندی، معناداری زندگی، آسایش و امید می‌شود (جاکوبسون و لکسل، ۲۰۱۶). به طور کلی افرادی که اعتقادات مذهبی و معنوی بیشتری دارند کمتر افسردگی، اضطراب و استرس در زندگی تجربه می‌کنند (موریرا-آلمیدا، کونینگ و لوچتی، ۲۰۱۴). محققان نشان داده‌اند که افزایش سطح معنویت در زندگی می‌تواند به رفع ناهماهنگی‌های زندگی کمک کند و رضایت افراد را از زندگی افزایش دهد (حیدری، مشکینی زد و سودمند، ۲۰۱۷).

ایمونس (۲۰۰۰) بیان می‌کند، هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره و دستیابی به اهداف می‌باشد. کاربرد معنویت و ظرفیت‌های معنوی در حل مسائل زندگی اثر می‌گذارد. افراد زمانی هوش معنوی را به کار می‌گیرند که بخواهند از ظرفیت‌ها و منابع معنوی برای تصمیم‌گیری‌های مهم و اندیشه در موضوعات وجودی یا تلاش در جهت حل مسائل روزانه استفاده کنند. این هوش باعث کاهش فشارهای زندگی و افزایش سلامت روان‌شناختی می‌شود. به علاوه هوش معنوی داده‌های معنوی را برای حل مشکلات روزمره به کار می‌گیرد و انطباق فرد را با شرایط فراهم می‌کند، لذا نه تنها سلامت و رفاه شخصی را بهبود می‌بخشد؛

1. Henningsgaard and Arnau
2. Robinson, Thiel, Shirkey, Zurakowski and Meyer
3. Jacobsson and Lexell
4. Moreira-Almeida, Koenig and Lucchetti



دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه

بلکه به افراد کمک می‌کند تا تجربیات دشواری مانند غم و اندوه و از دست دادن را تحمل کنند (معلمی و همکاران، ۲۰۱۴). از این رو هوش معنوی در معنایی که افراد به زندگی خود می‌دهند و روش آن‌ها برای فهم مسائل و موضوعات اثر می‌گذارد و موجب پدید آمدن حسی توامان از آگاهی و معنا در زندگی می‌شود. این تاثیرات نشان دهنده معنویت بر رفتارهای پرخطر است. در تایید این یافته پژوهش (عقیلی، ۱۳۹۸) نشان داد، هوش معنوی به طور قابل توجهی بر قصد مصرف مواد تأثیر می‌گذارد. به علاوه نتایج پژوهش احقر (۱۳۹۲) نشان داد، هوش معنوی بر تغییر نگرش‌های دانش‌آموزان به مواد مخدر تأثیر دارد. همچنین مطالعات (قدم‌پور، میردیریوند و مرادی، ۱۳۹۸؛ دری‌کوند و آقایی؛ ۱۳۹۳) نشان داد، نوجوانان بزهکار نسبت به دانش‌آموزان عادی از هوش معنوی پایین‌تری برخوردارند.

دیگر یافته پژوهش نشان داد، که بین هوش معنوی (تفکر وجودی انتقادی) با رفتارهای پرخطر در دختران دوره دوم متوسطه رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی با افزایش تفکر وجودی انتقادی، رفتارهای پرخطر در دختران کاهش می‌یابد و بالعکس. در تبیین این یافته می‌توان گفت، تفکر انتقادی نوعی تفکر است که شالوده‌فراوندهای تفکر است و اساس تصمیم‌گیری و حل مسائل زندگی است. تفکر انتقادی این امکان را برای فرد میسر می‌سازد تا حقیقت را در میان به هم‌ریختگی حوادث و اطلاعات جستجو کند و به هدفش که رسیدن به کامل‌ترین درک ممکن است؛ دست پیدا کند. در واقع اغلب دانش‌آموزانی که این نوع تفکر را دارند، سوالات زیادی در ذهنشان نسبت به ایده‌ها و فرضیات شکل می‌گیرد. این دانش‌آموزان موضوعات را به صرف و بر اساس ظاهر قبول نمی‌کنند؛ چون در مورد ماهیت هستی بیشتر فکر می‌کنند و همواره سوالاتی در مورد زندگی مرگ و هستی در ذهنشان مطرح می‌شود و این بدین معنی است که بیشتر در مورد رویدادها فکر می‌کنند. لذا با درک عمیقی نسبت به زندگی و تجربه‌های زندگی بیشتر به ارزش زندگی پی می‌برند؛ از این رو رفتارهای سلامت جسم و روح و رفتارهای که سلامت آن‌ها را تهدید می‌کند، مثل رفتارهای بزهکارانه، خشونت، مصرف مواد و الکل در آن‌ها کمتر دیده می‌شود. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد هر رابطه‌ای بین رفتارهای پرخطر و تفکر وجودی انتقادی جهت منفی را نشان دهد.

دیگر یافته نشان داد، بین هوش معنوی (تولید معنای شخصی) با رفتارهای پرخطر در دختران دوره دوم متوسطه رابطه معنادار وجود دارد. به عبارتی با افزایش تولید معنای شخصی، رفتارهای پرخطر در دختران کاهش می‌یابد و بالعکس. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد، تولید معنای شخصی به معنای ایجا معنا و مفهوم در زندگی نقش مهم و اساس دارد، زیرا تولید معنا در بحران‌ها و حوادث زندگی اهمیت دارد. بحران‌های زندگی در واقع بحران معنایی است و داشتن معنا در زندگی باعث احساس خوب و سازگاری روان‌شناختی می‌شود. همان‌طور که ماسکارو و روزن (۲۰۰۵) بیان می‌کنند، معنویت و تولید معنا بر افزایش کیفیت و بهزیستی روان‌شناختی موثر است. یافتن معنا منجر به ایجاد احساس سردرگمی در دانش‌آموزان می‌شود، منتهی این جریان آن‌ها را به سمت رخوت، کسالت و پژمردگی نمی‌کشانند؛ بلکه در پی یافتن یک معنای جدید در زندگی‌شان و تلاش وادار می‌کند. لذا ممکن است بعد از ایجاد معنا بخاطر رهایی از سردرگمی، دانش‌آموزان احساسات مثبت بیشتری را تجربه کنند. از این رو تولید معنای شخصی در تغییر نگرش دانش‌آموزان به رفتارهای پرخطر اثر دارد؛ زیرا که از طریق معنا و هدف می‌توان بر مشکلات زندگی غلبه کرد و تصمیم‌های خود را مطابق با اهداف زندگی بگیرند، به خود و دیگران بها دهند و کمتر رفتارهای پرخطری را از خود نشان دهند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد بین هوش معنوی (آگاهی متعالی) با رفتارهای پرخطر در دختران دوره دوم متوسطه رابطه معنادار وجود دارد. به عبارتی با افزایش آگاهی متعالی، رفتارهای پرخطر در دختران کاهش می‌یابد و بالعکس. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد، آگاهی متعالی ظرفیت شناسایی ابعاد متعالی خویشتن، دیگران و جهان مادی از طریق هوشیاری، همراه با ظرفیت شناسایی ارتباط آن‌ها به شخص است. وقوف انسان به خویشتن یکی از اصول مهم در معنویت است. این هوشیاری انسان را نسبت به خود واقعی یعنی آنچه هست و آنچه باید باشد، آگاه می‌سازد. در سایه این هوشیاری، انسان در یک برانگیختگی تلاش می‌کند تا با روش‌های به خود حقیقی‌اش نزدیک‌تر شود. هرچه انسان آگاهی بیشتر و عمیق‌تری نسبت به ساحت خود پیدا می‌کند؛ به همان اندازه نیز دامنه اختیار او در انتخاب راهکارهای مناسب و مفید افزایش یافته و مسئولیت او بیشتر می‌شود، این امر موجب می‌شود، تمایل به رفتارهای پرخطر که

دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



تهدیدی برای سلامت روح و جسم خود و دیگران می‌باشد، کمتر شود. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد هر رابطه‌ای بین رفتارهای پرخطر و آگاهی متعالی جهت منفی را نشان دهد.

آخرین فرضیه در باب هوش معنوی و رفتارهای پرخطر نشان داد، بین هوش معنوی (بسط حالت هوشیاری) با رفتارهای پرخطر در دختران دوره دوم متوسطه شهرستان سپیدان رابطه معنادار وجود دارد. به عبارتی با افزایش آگاهی متعالی، رفتارهای پرخطر در دختران کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد، بسط حالت هوشیاری یعنی تمایل و توانایی ورود به موقعیت‌های معنوی بالاتر از جمله تفکر عمیق، نیایش و مراقبه و خروج از آن. دانش‌آموزانی که قادر هستند به حالت‌های بالاتر هوشیاری یا آگاهی و یا حالت‌های روحانی دست یابند، در حالت‌های بالای هوشیاری بهتر می‌توانند خود را کنترل نمایند و رفتارهای پرخطر کمتری را از خود بروز دهند. افراد با هوش معنوی بالا از جسم و روح و ماده بالاتر رفته و اوج هوشیاری را درک می‌کنند. این دانش‌آموزان به دلیل آشنایی با حالت‌های روحانی و معنوی، به زندگی خود امیدوارترند و و به خود و دیگران بها می‌دهند و ارزش زندگی را درک می‌کنند و کمتر به دنبال رفتارهایی هستند که سلامت جسم و روح آن‌ها و اطرافیان‌شان را تهدید کند. بنابراین حالت هوشیاری باعث می‌شود فرد در مقابل اضطراب و رویدادهای زندگی بینش عمیق پیدا کند و از سختی‌های زندگی نهراسد و با صبر و بردباری و تفکر در جستجوی راه حل‌های منطقی و انسانی برای عبور از آن‌ها باشد. این عامل خود موجب کاهش بروز رفتارهای مخرب و پرخطر می‌شود.

به علاوه نتایج دیگر پژوهش نشان داد، بین هوش اجتماعی (کل) و ابعاد آن (پردازش اطلاعات اجتماعی، آگاهی اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی) و گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه‌ی منفی و معنی‌داری وجود دارد؛ بدین معنی که با افزایش هوش اجتماعی (کل) و ابعاد آن، گرایش به رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد. این یافته از جهاتی با بخشی از یافته‌های پیشین از جمله میکاییلی و احمدی (۱۴۰۱)، شهبازیان خونیک و همکاران (۱۳۹۷)، فداکارزاده و محمدی احمدآبادی (۲۰۲۰)، لاندو کینگ و همکاران (۲۰۱۵)، دومیترسکو و هوکاران (۲۰۱۴) همسو و همخوان است. از طرفی تحلیل رگرسیون نیز نشان داد، هوش معنوی به طور معنی‌داری می‌تواند رفتارهای پرخطر را در دختران نوجوان دبیرستانی تبیین نماید که با نتایج میکاییلی و احمدی (۱۴۰۱) و شهبازیان خونیک و همکاران (۱۳۹۷) همسو است.

در تبیین رابطه بین هوش اجتماعی (کل) و رفتارهای پرخطر می‌توان چنین بیان کرد که آن‌چه ضامن موفقیت افراد است، بکارگیری توانایی همدلی با احساسات دیگران، رابطه با دیگران، توانایی در آگاهی از احساسات و هیجانات خود و احساسات دیگران در لحظه و استفاده از این آگاهی در جهت مدیریت خود و مدیریت روابط و استفاده از مهارت‌های اجتماعی است. هوش اجتماعی یعنی توانایی ارتباط داشتن با دیگران و تشویق کردن آنها برای همکاری که گاهی اوقات به سادگی به عنوان مهارت‌های مردمی بیان می‌شود. این سازه به شناخت سبک تعاملات و استراتژی‌هایی که شخص را برای بدست آوردن هدف‌هایش در ارتباط برقرار کردن با دیگران است، کمک می‌کند. کسانی که هوش اجتماعی بالایی دارند بهتر می‌توانند در اجتماع با افراد ارتباط برقرار کنند و از تمام توانایی‌های ذهن و جسم خودشان برای برقراری رابطه و درک دیگران استفاده می‌کنند. این افراد رفتارهایی که دیگران را به برقراری رابطه و دوست شدن با آن‌ها تشویق را کند را می‌آموزند. آن‌ها یاد گرفته‌اند چگونه با دیگران دوست شوند و این دوستی را حفظ نمایند. همچنین این افراد می‌دانند که برای رسیدن به اهداف شخصی، با قربانی کردن، له کردن و نادیده گرفتن حقوق دیگران، شاید فقط برای مدت کوتاهی موفق شود؛ اما قطعاً عمر این موفقیت طولانی نخواهد بود، تمام این مهارت‌ها بر این امر تاکید دارد که فردی با مهارت اجتماعی بالا، یک سخن‌ور و شنونده عالی است و می‌تواند به راحتی با دنیای بزرگتر ارتباط برقرار کند. از طرفی افرادی که هوش اجتماعی پایینی دارد نمی‌توانند، احساسات و هیجانات خود را بفهمد و تشخیص دهد؛ لذا نمی‌توانند خود و روابط خود با دیگران را مدیریت کنند. در کنترل خشم، استرس و کنترل احساسات دچار مشکل می‌شوند و تنها شیوه‌ای که به ذهنشان می‌رسد این است که با زور، بقیه را مجبور به اطاعت از تفکرهای خود یا مجبورشان کنند؛ چون توانایی مدیریت افکار مغایر با اندیشه‌های خود را ندارند. این افراد توانایی برقراری ارتباط اجتماعی را با دیگران ندارند و در نتیجه سریع‌تر به رفتارهای پرخطر روی می‌آورند. از سوی دیگر وقتی یک نوجوان در موقعیتی قرار می‌گیرد که قبول ورود به آن موقعیت خطر رفتار جنسی ناپایمن را افزایش می‌دهد و یا اینکه در معرض تعارف سیگار یا مواد اعتیادآور دیگر قرار می‌گیرد و توانایی تشخیص آن موقعیت را به علت ضعف در مهارت‌های اجتماعی خود نداشته و قدرت برخورد منطقی با آن



دوین کنفرانس ملی مطالعات خانوادہ و مدرسه

موقعیت را نداشته باشد، قطعاً در معرض پیامدهای منفی آن قرار می‌گیرد که مسئله به اینجا ختم نمی‌گردد و امکان دارد ورود به این رابطه پرخطر به علت ضعف مهارت‌های اجتماعی، زمین‌ه‌ساز گرایش فرد به رفتارهای پرخطر دیگر است در نتیجه این افراد به علت عدم آگاهی و ضعیف بودن مهارت‌های اجتماعی در آن‌ها، هنگام رویارویی با مشکلات برای ترمیم آن دست به رفتارهای پرخطر می‌زند. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد، هوش اجتماعی نقش معنی‌داری در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان دختر داشته باشد.

سارافینو و اسمیت (۲۰۱۴) اعتقاد دارند که روابط اجتماعی از جانب دوستان، خانواده و سایر افراد منجر به کاهش فشار روانی در افراد می‌شود. در نتیجه، افرادی که روابط اجتماعی سالم و درست با دیگران دارند کمتر در معرض رفتارهای پرخطر از جمله خودکشی و مصرف مواد و ... قرار دارند.

دیگر یافته‌ی پژوهش نشان داد، بین هوش اجتماعی (پردازش اطلاعات اجتماعی) با رفتارهای پرخطر در دختران دوره دوم متوسطه رابطه معنادار وجود دارد. به عبارتی با افزایش پردازش اطلاعات اجتماعی، رفتارهای پرخطر در دختران کاهش می‌یابد و بالعکس. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد، نوجوانان در موقعیت‌های اجتماعی زمانی که با یک موقعیت دشوار مواجه می‌شوند، ابتدا به رمزگردانی و تفسیر سر نخ‌های اجتماعی اطلاعات می‌پردازند، سپس اطلاعات را در خزانه شناختی خود ذخیره می‌کنند و بعد از این مرحله آن را به دیگر موقعیت‌ها تعمیم می‌دهند و نهایتاً دست به انتخاب می‌زنند. پردازش اطلاعات علاوه بر تبیین تعاملات اجتماعی موفق نوجوانان، به منظور تبیین علل و پیشگیری از مشکلات کاربرد دارد؛ زیرا که نقص آن در باعث عوامل نابهنجار و پرخاشگرانه در نوجوانان می‌شود. نوجوانان دارای نقص پردازش اطلاعات در موقعیت‌های مبهم خودشان را مقصر رفتارها می‌دانند. در نتیجه افزایش اطلاعات اجتماعی موجب بهبود تعاملات اجتماعی و به کاهش رفتارهای مخرب کمک می‌کند. در این راستا شاهین‌فر، کوپر اسمیت و ماتزا (۲۰۰۱) بیان می‌کنند، نوجوانان قربانی خشونت‌های شدید در مرحله پردازش اطلاعات اجتماعی نقیصی دارند. بدین صورت که آن‌ها پرخاشگری را به عنوان یک پاسخ اجتماعی مورد تایید تفسیر و تحلیل قرار می‌دهند. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد هر رابطه‌ای بین رفتارهای پرخطر و پردازش اطلاعات اجتماعی جهت منفی را نشان دهد.

دیگر یافته‌ی پژوهش نشان داد، بین بین هوش اجتماعی (مهارت اجتماعی) با رفتارهای پرخطر در دختران دوره دوم متوسطه رابطه معنادار وجود دارد. به عبارتی با افزایش مهارت اجتماعی، رفتارهای پرخطر در دختران کاهش می‌یابد و بالعکس. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد، مهارت‌های اجتماعی در برگزیده ارتباط سالم و منطبق بر موقعیت در افراد است. مهارت‌های اجتماعی دلالت بر رفتارهای قابل قبولی است که فرد را قادر می‌سازد در رابطه با دیگران رابطه موثر داشته باشد و از عکس‌العمل‌های نامعقول جلوگیری کنند. مهارت‌های اجتماعی به افراد می‌آموزد که چگونه با دیگران دوست شود و آن‌ها را نگه دارد. مطابق با نظریه (گلمن، ۱۹۹۵)، ترجمه پارسا، ۱۳۸۰) کسانی که از هوش اجتماعی بالاتری برخوردارند، بیشتر می‌توانند احساسات و هیجانات خود را کنترل کنند و این موجب کاهش بروز خشونت و رفتارهای پرخطر می‌شود. این روابط اجتماعی موجب کاهش فشار روانی و افزایش سلامت روان و کنترل بروز رفتارهای بزهکارانه در افراد می‌شود. افراد در معرض خطر از راه آموزش مهارت‌های زندگی می‌آموزند که چگونه در رابطه با سایر انسان‌ها، جامعه، فرهنگ و محیط خود مثبت و سازگارانه عمل کنند و چگونه با مشکلات فعلی که آن‌ها را احاطه نموده، رویارویی کنند. مهارت‌های ارتباطی ناکارآمد می‌توانند رفتارهای پرخطر را در بین دانش‌آموزان و افرادی که فاقد مهارت‌های کنار آمدن با تجربیات عاطفی خود در هنگام مدیریت و کنترل احساسات منفی خود هستند، پیش‌بینی کند (خدایی و همکاران، ۲۰۲۱). در نتیجه می‌توان اظهار کرد که افرادی که روابط اجتماعی سالم و درست با دیگران دارند کمتر در معرض رفتارهای پرخطر از جمله خودکشی و مصرف مواد و ... قرار دارند. در واقع انجام رفتارهای پرخطر به عنوان سازوکاری برای سرکوب هیجان‌های منفی به کار می‌رود. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد هر رابطه‌ای بین رفتارهای پرخطر و مهارت‌های اجتماعی جهت منفی را نشان دهد.

1. Sarafino Smith
2. Shahinfar, Kupersmidt and Matza
3. Goleman

دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



دیگر یافته‌ی پژوهش نشان داد، بین بین هوش اجتماعی (آگاهی اجتماعی) با رفتارهای پرخطر در دختران دوره دوم متوسطه رابطه معنادار وجود دارد. به عبارتی با افزایش آگاهی اجتماعی، رفتارهای پرخطر در دختران کاهش می‌یابد و بالعکس. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت، آگاهی اجتماعی عامل مؤثر و تعیین کننده در برآیندهای زندگی واقعی مانند موفقیت در مدرسه، تحصیل، شغل و روابط بین شخصی می‌باشد. در واقع اینکه یک فرد به عنوان عضوی از جامعه از درک و دریافت خردمندانانه و درست و متکی به داده‌های اطلاعاتی و پیراسته از جنبه‌های احساسی یا بنیان‌های سست برخوردار باشد و در یک برآیند متکی به خردجمعی نتیجه‌گیری منطقی درباره رخدادها یا چالش‌ها و حتی اتفاقات‌های خوشایند و نیز برای خود نقش و سهمی در حل مشکلات اجتماعی یا پیشرفت در عرصه موضوعات اجتماعی داشته باشد. چنین وضعیتی خواسته و ناخواسته از ورود به عرصه‌های پرخطر جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر آگاهی اجتماعی توانایی درک و فهم دیگران و ایجاد ارتباط با آنهاست. اما در فقدان یا کمبود روابط اجتماعی و یا در حضور روابط اجتماعی مخرب، سلامت و رفاه افراد به ویژه نوجوانان به خطر می‌افتد. چون آگاهی اجتماعی یک فرآیند خرد جمعی پیرامون هر پدیده یا موضوع یا چالش و حتی هدف و چشم‌انداز پیش‌روی است. آگاهی اجتماعی به دانش آموزان کمک می‌کند، ارتباط بهتری با معلمان، همکلاسی‌ها و همچنین دیگران و همچنین توانایی تفاهم و مدیریت مؤثر در زندگی و محیط تحصیلی خود را داشته باشند. در چنین وضعیتی به طور طبیعی نوعی همگرایی و هم‌افزایی هم در تفاهم و توافق روی مسائل اجتماعی و هم چگونگی چاره‌جویی و حل مساله به وجود می‌آید. افرادی که روابط اجتماعی سالم و آگاهی اجتماعی درست با دیگران دارند، کمتر در معرض رفتارهای پرخطر از جمله خشونت، خودکشی و مصرف مواد قرار می‌گیرند. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد هر رابطه‌ای بین رفتارهای پرخطر و آگاهی اجتماعی جهت منفی را نشان دهد.

براساس یافته‌های این پژوهش، با تقویت هوش معنوی، دانش‌آموزان هنگام مواجهه با مشکلات و مسائل زندگی و تحصیلی، صبر و تحمل بیشتری می‌توانند داشته باشند. همچنین پایبندی به اصول و ارزش‌های دینی و معنویت و آگاهی قبل از عمل، خودکنترلی آن‌ها را هنگام رویارویی با وسوسه‌ها و لذت‌های زودگذر و فشارهای روانی، محیطی و اجتماعی افزایش می‌دهد و این خودکنترلی و مبارزه با وسوسه‌های درونی و بیرونی، از رفتارهای پرخطر به خصوص استفاده از مواد مخدر جلوگیری می‌کند. از طرفی دانش‌آموزانی که هوش و مهارت‌های اجتماعی را به خوبی یاد گرفته‌اند و آگاهی اجتماعی بالایی دارند، می‌دانند چگونه ارتباط برقرار کنند، بهتر می‌توانند در اجتماع با افراد ارتباط برقرار کنند؛ زیرا این افراد در اصطلاح شعور اجتماعی بالاتری دارند و مهم‌تر آن که قادرند کاری کنند که دیگران در کنار آنان احساس راحتی و خوشحالی داشته باشند. این روابط اجتماعی حاصل از هوش اجتماعی منجر به کاهش فشار روانی در آن‌ها شده و تقویت آن، توانایی مدیریت هیجانات و کنترل رفتار را بالا می‌برد و باعث می‌شود که افراد در روابط خود کمتر آسیب دیده و به رفتارهای پرخطر روی آورند. با آموزش مهارت هوش اجتماعی و تقویت هوش معنوی به نوجوانان می‌توان به کاهش خطرات اجتماعی و مخرب کمک کرد. پیشنهاد می‌شود بررسی‌های دیگر در سایر مناطق انجام شود تا با اطمینان بیشتری نسبت به تعمیم نتایج پرداخته شود. علاوه بر آن در مطالعات آینده از گروه‌های نمونه متنوع‌تری مانند سن و جنس با توجه به در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی استفاده شود. محدود بودن آزمودنی‌ها به دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در یک منطقه جغرافیایی و اینکه داده‌ها از طریق گروه‌های کلاسی جمع‌آوری شد از محدودیت‌های این پژوهش است. لذا در تعمیم یافته‌های این مطالعه به دیگر زیست و بوم‌های متفاوت باید تأمل نمود.

منابع و مراجع

- احقر، قدسی. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی هوش معنوی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان به مواد مخدر، *مجله اندیشه و رفتار*، دوره هشتم، شماره سی، ۷۷-۸۶.
- افشار، سارا؛ صدیقی ارفعی، فریبرز؛ جعفری، اصغر؛ محمدی، حسین. (۱۳۹۴). رابطه ابعاد هوش معنوی و گرایش به اعتیاد و مقایسه‌ی آن بین دانشجویان دختر و پسر، *مجله پژوهش در دین و سلامت*، دوره دوم، شماره یک، ۲۰-۳۶.

دوین کنفرانس ملی مطالعات خانوادہ و مدرسہ



دریکوند، حدیث؛ آقایی، اصغر. (۱۳۹۳). مقایسه هوش معنوی بین مبتلایان به اختلال سوءمصرف مواد و افراد بهنجار، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، شماره سوم، ۳۸-۴۸.

رضایی، براتعلی؛ صاحب‌دل، حسین. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های هوش معنوی بر کاهش رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه، پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران. رضایی، اکبر. (۱۳۸۸). مقیاس هوش اجتماعی ترومسو: ساختار عاملی و پایایی نسخه فارسی مقیاس در جامعه‌ی دانشجویان، فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز، دوره پنجم، شماره بیست، ۲۰-۳۶.

رقیب، مانده سادات؛ سیادت، سیدعلی؛ حکیمی‌نیا، بهزاد؛ احمدی، سیدجعفر. (۱۳۹۸). اعتباریابی مقیاس هوش معنوی کینگ در دانشجویان دانشگاه اصفهان، دست‌آوردهای روان‌شناختی، دوره هفدهم، شماره یک، ۱۴۱-۱۶۴.

زاده محمدی، علی؛ احمدآبادی، زهره؛ حیدری، محمود. (۱۳۹۰). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی، دوره هفدهم، شماره سوم، ۲۱۸-۲۲۵.

زرپرور، شهلا؛ قاجاریه، مژگان. (۱۴۰۱). بررسی رابطه هوش اجتماعی با رفتار اخلاقی دانش‌آموزان دختر دوره دوم آموزش متوسطه شهرستان نیریز، پژوهش‌های برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، سال دوازدهم، شماره دوم، ۱۱-۲۶.

شوشتری رضوانی، مهدیه؛ آقابابایی، ناصر. (۱۳۹۹). رابطه دینداری و بنیان‌های اخلاقی با گرایش به اعتیاد در دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر تهران، مجله پایش، دوره بیستم، شماره یک، ۱۱۹-۱۲۵.

شهبازیان خونیک آرش، حسنی امید، سلیمانی سمیرا. (۱۳۹۷). بررسی نقش هوش اخلاقی و اجتماعی در رفتارهای پرخطر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال تحصیلی ۹۶-۹۷، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره هفدهم، شماره یک، ۳۹-۵۲.

شهرکی، ام‌البنین؛ فالحتی کهخا، مریم؛ سعادتیان، ام‌النین؛ رستگار کهخا ژاله، کبری. (۱۴۰۱). بررسی رابطه هوش اجتماعی با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه نهم شهر زهک، مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال پنجم، شماره پنجاه و یک، ۴۹۲-۵۲۱.

شیرافکن اجیرلو، سمیه؛ شمشیری، محمود؛ مولائی، بهنام. (۱۴۰۱). بررسی ارتباط هوش معنوی، شیوه فرزندپروری والدین و رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان مقطع متوسطه مشگین شهر، روان‌شناسی مدرسہ و آموزشگاه، دوره یازدهم، شماره دوم، ۷۱-۸۲.

عشایی، طاها؛ مومنی، حسن؛ عادل، هانیه؛ جهانپور، طاهره. (۱۴۰۱). شناسایی فراتحلیل عوامل مؤثر بر رفتار پرخطر، فراتحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۱، نشریه مطالعات میان‌فرهنگی، دوره هفدهم، شماره پنجاه و سوم، ۳۱-۵۹.

عقیلی، سید مجتبی. (۱۳۹۸). تعیین رابطه هوش معنوی و سلامت عمومی باولع مصرف درافراد وابسته به شیشه، دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، دوره یکم، شماره دوم، ۲۱۷-۲۲۸.

علیزاده، سیما؛ راهب، غنچه؛ میرزائی؛ زهرا؛ حسین‌زاده، سمانه. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش کفایت اجتماعی بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مراکز شبانه‌روزی بهزیستی در شهرهای مشهد و سبزوار، مجله توانبخشی، دوره بیست و یکم، شماره یک، ۵۴-۷۳.

فتحی، آیت‌اله، سراجی، فرهاد، شریفی رهنمو، سعید، کاظمی گوراند، مطهره؛ شریفی رهنمو، مجید. (۱۳۹۹). رفتارهای پرخطر نوجوانان دختر براساس انواع هوش، پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، دوره هشتم، شماره دوم، ۴۵۰-۴۶۸.

فتحی، آیت‌اله؛ ملکی‌راد، علی اکبر؛ عباسی، محمد. (۱۴۰۱). پیش‌بینی رفتارهای پرخطر نوجوانان براساس عملکرد خانواده و جهت‌گیری مذهبی، مطالعات فرهنگی پلیس، دوره هشتم، شماره یک، ۱۳-۲۳.

قدم‌پور، عزت‌اله؛ میردریکوند، فضل‌الله؛ مرادی‌زاده، سیروس. (۱۳۹۸). مقایسه هوش معنوی، بهزیستی معنوی و حمایت اجتماعی نوجوانان بزهکار و عادی، نشریه اسلام و سلامت، دوره چهارم، شماره دوم، ۱۴-۲۴.



گلمن، دانیل. (۱۹۹۵). هوش هیجانی، ترجمه نسرین پارسا، ۱۳۸۰، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد.

مولائی، بهنام؛ شیرافکن اجیرلو، سمیه؛ پوراسمعیلی، اصغر؛ ناطق، رقیه. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین هوش معنوی و رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان مقطع متوسطه مشکین شهر. دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی.

میکاییلی، نیلوفر؛ احمدی، شیرین. (۱۴۰۱). نقش هویت اجتماعی و هوش اجتماعی در پیش‌بینی گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای پرخطر، فصلنامه روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه، شماره یازدهم، دوره یک، ۹۸-۱۰۷.

نوربخش، امین؛ مولوی، حسین. (۱۳۹۴). رابطه هوش معنوی و اعتقادات مذهبی با احساس استنباطی و خشونت در دانش‌آموزان، نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، دوره شانزدهم، شماره یک، ۴-۱۲.

- Adams, G. R., Berzonsky, M. D., and Keating, L. Psychosocial Resources in First-Year University Students: The Role of Identity Processes and Social Relationships. **Journal of Youth and Adolescence**. 2006. 35(1). pp. 81-91
- Alaei, S., Rozita, Z., Ahmadi, A., Doosti, A and SaberI, S. M. Emotional Intelligence, Spiritual Intelligence, Self-esteem and Self Control of Substance Abuse, **International Neuropsychiatric Disease Journal**. 2017. 9(4). pp. 1-8.
- Alrashidi, N. Sanat Alreshidi, M. Dator, W., L., and et al. The Mediating Role of Spiritual Intelligence on Well-Being and Life Satisfaction among Nurses in the Context of the COVID-19 Pandemic: A Path Analysis. **Behav. Sci**. 2022. 12(12). pp. 515.
- Aslam, Z., Asim, M., Javaid, I., Rasheed, F., and Naveed Akhter, M . Analyzing risky behaviors among different minority and majority race in teenagers in the USA using latent classes, **Front Behav Neurosci**. 2023. 17. pp.1089434.
- Bhaskar, A.U., and Mishra, B. Putting workplace spirituality in context: Examining its role in enhancing career satisfaction and reducing turnover intentions with perceived organizational support as an antecedent. **Pers. Rev**. 2019. 48. pp.1848-1865.
- Boyer, T.W. The development of risk-taking: A multi-perspective review. **Developmental Review**. 2006. 26(3). pp. 291-345
- Decker, L. R. The role of trauma in spiritual development. **Journal of Humanistic Psychology**. 1993. 33(4). pp. 33-46.
- DepKes. **Guidelines for implementing healthy life skills education (PKHS) for health workers**. Jakarta, Indonesia: Ministry of Health. 2004.
- Duijvenvoorde, A. C. K. van, Hoorn, J. van., and Blankenstein, N. E. Risks and rewards in adolescent decision-making. **Current Opinion in Psychology**. 2022. 48. pp.101457
- Dumitrescu, A. L., Badița, D., Dogaru, C. B., Toma, C., and Duța, C. The association of social desirability and social intelligence with smoking among undergraduates. **Procedia-Social and Behavioral Sciences**. 2014. 159. 23. 552-556.
- Emmons, R. A. Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern. **Int J Psychol Religion**. 2000. 10. pp. 3-26.
- Fadakarzadeh, E., and Mohammadi Ahmadabadi, N. The Effectiveness of Social Skills on Aggression and Tendency to Risky Behaviors Among Students, **Journal of Education Experiences**. 2020. 3(1). 19-38.
- Gera, T. Spirituality as Protective Factor of Health Risk Behaviors among Adolescents. **Mind and Society**. 2022. 11(2). pp. 83-89.



- Ghahremani, L., Nazari, M., Changizi, M., and Kaveh, M. H. High-risk behaviors and demographic features: a cross-sectional study among Iranian adolescents. **International Journal of Adolescent Medicine and Health**. 2019. 33(4). pp.4. 1-8.
- Goddings, L.A., Dumontheil, I., Viner, R.M., and Blakemore, S.J. Puberty and risky decision-making in male adolescents, **Developmental Cognitive Neuroscience**. 2023. 60. pp.101230
- Guo, L., Luo, M., Wang, W. X., and et al. Association between problematic Internet use, sleep disturbance, and suicidal behavior in Chinese adolescents. **J Behav Addict**. 2018. 7(4). pp. 965–975.
- Haghani S, and Khodabakhshi-koolae A. Role of Spiritual Intelligence and Positive Thinking in the Prediction of Psychological Hardiness in Women Recovered from Addiction. **Avicenna J Neuro Psycho Physiology**. 2022. 9 (3). pp. 90-95
- Henningsgaard, J.M., and Arnau, R. C. Relationships between religiosity, spirituality, and personality: A multivariate analysis. **Personality and Individual Differences**. 2008. 45(8). pp.703–708.
- Heydari, A., Meshkinyazd, A., and Soudmand, P. The effect of spiritual intelligence training on job satisfaction of psychiatric nurses. **Iran J Psychiatry**. 2017. 12. pp.128–33.
- Honeywill, R. **The man problem: destructive masculinity in Western culture**. Springer. [https://link.springer.com/book/10.1057/9781137551696? page=1&oscar-books=true]. 2016.
- Jacobsson, L., and Lexell, J. Life satisfaction after traumatic brain injury: Comparison of ratings with the life satisfaction questionnaire (LiSat-11) and the satisfaction with life scale (SWLS). **Health and Quality of Life Outcomes**. 2016. 1(14). pp.1. 10.
- Jiang, Q., Huang, X., Tao, R. Examining factors influencing internet addiction and adolescent risk behaviors among excessive internet users. **Health Commun**. 2018. 33(12). pp.1434–44.
- Khodaei, H., Fathi, A., and Alipour, R. Effectiveness of Social Skills Training in the High-risk Behaviors and Communication Skills of Secondary School Students. **Journal of Research & Health**. 2021. 11(3). pp.175-182.
- King, D. B. **Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure**. Ontario: Trent University. 2008.
- Lando-King, E., McRee, A.L., Gower, A.L., Schlafer, R.J., McMorris, B.J., Pettingell, S., and et al. Relationships between social-emotional intelligence and sexual risk behaviors in adolescent girls. **The Sex Res J**. 2015.52(7). pp. 835-40.
- Ma, C., Xi, B., Li, Z., Wu, H., Zhao, M., Liang, Y., and Bovet, P. Prevalence and trends in tobacco use among adolescents aged 13–15 years in 143 countries, 1999–2018: findings from the Global Youth Tobacco Surveys. **The Lancet Child & Adolescent Health**. 2021. 5(4). pp. 245-255.
- Mahedy, L., Harold, G. T., Maughan, B., Gardner, F., Araya, R., Jones, R. B and Collis haw, S. Resilience in high-risk adolescents of mothers with recurrent depressive disorder: The contribution of fathers. **Journal of adolescence**. 2018. 65. pp. 207-218.
- Mascaro, N, and Rosen D. H. Existential meaning's role in the enhancement of hope and prevention of depressive symptoms. **Journal of Personality**. 2005.73(4). pp.985-1014.
- Mascaro, N, and Rosen D. H. Existential meaning's role in the enhancement of hope and prevention of depressive symptoms. **Journal of Personality**. 2005. 73(4). pp. 985-1014.
- Masithah, D., Soedirham, O., and Triyoga, R., S. The Influence of Emotional and Spiritual Intelligence On Smoking Cessation Intention in College Student. **Indian Journal of Public Health Research & Development**. 2019. 10(12). pp.1651-1655.
- Moallemi, S. Spiritual Intelligence and High Risk Behaviors. International Journal of High Risk Behaviors and Addiction, **Int J High Risk Behav Addict**. 2014. 3(1). pp. e18477.



- Moreira-Almeida, A., Koenig, H. G., and Lucchetti, G. Clinical implications of spirituality to mental health: Review of evidence and practical guidelines. **Revista Brasileira de Psiquiatria**. 2014. 36(2). pp. 176–182.
- Oladunni, T. Sexual Behavior and Practices among Adolescents with Disabilities in Southwest Nigeria. **The Journal of Sexuality and Disability**. 2012. 30(3). pp. 289-299.
- Ozdemir, N, A. V. (2021). The relationship between social intelligence, self-esteem and resilience in healthcare professionals and the affecting factors. **Journal of Psychiatric Nursing**. 12(1). pp.18–28.
- Pant, N., and Srivastava, S. K. The Impact of Spiritual Intelligence, Gender and Educational Background on Mental Health Among College StudenS, **Journal of Religion and Health**. 2019. 58(58). pp.58. 87-108.
- Prevention, C. f. **Vital Signs: Unintentional Injury Deaths Among Persons Aged 0–19 Years — United States, 2000–2009**. Retrieved from Centers for Disease Control and Prevention: <https://www.cdc.gov/mmwr/preview/mmwrhtml/mm6115a5.htm>. 2020.
- Rahmanian, M., Hojat, M., Jahromi, M. Z., and Nabiolahi, A. The relationship between spiritual intelligence with self-efficacy in adolescents suffering type 1 diabetes. **J Educ Health Promot**. 2018. 7. pp. 100.
- Ray , R., Kats-Kariyanakatte, Fielding Graduate University, P, Moore, L. R., and Jacquin. K. genderage, and certain at home influence risky behaviors in anults. Conference: Psychological Applications and Trends 2022. pp. 287-290.
- Riggio R. E. (2014). What is social intelligence? Why does it matter? **Psychology Today June**. 23. pp. 111-145.
- Robinson, M. R, Thiel, M.M., Shirkey, K., Zurakowski, D., and Meyer, E.C. Efficacy of training interprofessional spiritual care generalists. **J Palliat Med**. 2016. 19(8). pp.14–21.
- Sadri, Damirchi, E., Honarmand, Ghojebegloo, P., and Amir, S. M. B. Gholizade B. Predicting Risk-Taking Behaviors Based on the Role of Perceived Social Support Components, Emotional Expr ession and Brain-Behavioral Systems in Addicts. **Horizon Med Sci**. 2019. 25(4). pp. 282-297.
- Salmani, S., Biderafsh, A., and Aliakbarzadeh Arani, Z. The Relationship Between Spiritual Development and Life Satisfaction Among Students of Qom University of Medical Sciences. **Journal of Religion and Health**. **Relig Health**. 2019. 59(4). pp.1889-1896.
- Sangelaji, M. H., Rassouli, M., Farahani, A. S., Shakeri, N., and Ilkhani, M. Correlation between spiritual attitude and hope with quality of life in adolescents with chronic disease. **Medical Ethics Journal**. 2016. 10(34). pp. 34. 143–163.
- Santos, S., Crespo, C., Canavarro, M. C. and Kazak, A. E. Parents' romantic attachment predicts family ritual meaning and family cohesion among parents and their children with cancer, **Journal of pediatric psychology**. 2017. 42(1). pp.114-124.
- Sarafino, E. P., and Smith, T.W. **Health psychology: Biopsychosocial interactions**: John Wiley & Sons. 2014.
- Shahinfar, A., Kupersmidt, J.B., and Matza, L.S. “The relation between exposure to violence and social information processing among incarcerated adolescents.” **Journal of Abnormal Psychology**. 2001. 110(1). pp. 136-141.
- Silvera, D. H., Martinussen, M., and Dahl, T. I. The Troms a Social Intelligence Scale, a Self-Report Measure of Social Intelligence, **Scandinavian Journal of Psychology**. 2001. 42. pp. 313-319
- Simak, V. F., Fitriyani, P., and Setiawan, A. The Relationships between Risky Sexual Practices and Spiritual Intelligence of Adolescents in Indonesia. **Comprehensive Child and Adolescent Nursing**. 42(1). pp.73–81.



- Tioco, M. L. P. **Social intelligence quotient and teaching performance among nurse educators in Aklan**, [Master's thesis, Central Philippine University, Jaro, Iloilo City]. <https://hdl.handle.net/20.500.12852/312>. 2018.
- Van Minh, H., Quynh Long, K., Van Vuong, D., and et al. Tobacco and electronic cigarette smoking among in-school adolescents in Vietnam between 2013 and 2019: prevalence and associated factors, **Glob Health Action**. 2022. 15(1). pp. 2114616.
- Wigglesworth, C Why spiritual intelligence is essential to mature leadership. **Integral Leadership Review**. 2006. 6. pp. 206–8.
- World Drug Report **United Nations Publication**, Sales No. (E .18.X I.9). 2018.
- Yazdi-Feyzabadi, V., Mehrolihasani, M. H., Zolala, F., Haghdoost, A., and Oroomiei, N. Determinants of risky sexual practice, drug abuse and alcohol consumption in adolescents in Iran: a systematic literature review. **Reproductive Health**. 2018. 16(1). pp. 115.